

السؤال الاول: ترجم العبارات التالية إلى الفارسية:

- ۱- إن القرآن أخبر عن ظاهرة ظلمة البحر إخباراً عجيباً.
 - ۲- كان المجاهدون يندفعون إلى ميادين الحرب مكبرين.
 - ۳- الشهداء أعز الناس مقاماً فعلينا أن لانسأهم.
 - ۴- كن قانعاً فإن من يترك الحرص يعيش في راحة.
 - ۵- الهى إن كنت غير مستأهل لرحمتك فأنت أهل أن تجود على بفضل سعتك.
 - ۶- و ما المال و الأهلون إلّا ودائع و لابدّ يوماً أن تُردّ الودائع
- السؤال الثانى : ميّز المفعول فيه ، المفعول المطلق ، الحال و صاحبها ، التمييز ، الفعل المضاعف ، المستثنى ، المنادى و نوعه و الفعل المعتل المجزوم فى العبارات السابقة (تعيين موارد خواسته شده از عبارات سؤال اول):
- السؤال الثالث : اقرأ النص التالى ثم اجب عن الاسئلة التالية :

لما كان المسلمون قد بلغوا منزلةً عاليةً فى العلوم بفضل العلماء المتدينين ، كان عالمُ الغرب غارقاً فى بحر الجهل. و على هذا الأساس فإن المسلمين اكتشفوا أسراراً كثيرةً مجهولةً عند الغربيين منها ظاهرة قوس قزح التى تحدث بسبب انكسار ضوء الشمس فى قطرات الماء الصغيرة الموجودة فى الجو عند نزول الأمطار ، الأمر الذى حكّم بسببه الروميون على احد علمائهم بالسجن مدى الحياة.

الف) كيف كان الغرب عند ما كان المسلمون قد تقدّموا فى العلوم ؟
ب) كيف تحدث ظاهرة قوس قزح؟

- ج) عيّن المترادف أو متضاد للكلمتين التاليتين: ضوء (مترادف) مجهول (متضاد)
- د) أكتب معنى الكلمتين التاليتين : ظاهرة : كان قد بلغ :

السؤال الرابع : عيّن الصحيح عن ترجمة أو تعريب العبارات التالية :

الف) المؤمن لا ينسى مسؤوليته تجاه خالقه:

- ۱) مؤمن مسؤوليت خود را در برابر آفریدگار فراموش نکند.
- ۲) مؤمن مسؤوليت خویش را در مقابل آفریدگار فراموش نمی کند.
- ب) لاقیمة للأسماء و العناوین مادامت لاتقترن بالعمل :
- ۱) نام ها و عناوین تا وقتی که همراه عمل نباشد هیچ ارزشی ندارند.
- ۲) نام ها و عنوان ها اگر مقرون به عمل نباشند ارزش خود را از دست می دهند.
- ج) إذا أردت معالجة مرض الجهل فداؤه الحبر و القلم.
- ۱) چنانچه خواستی به درمان بیماری جهل پردازی از داروی جوهر و قلم استفاده کن.
- ۲) اگر بخواهی بیماری نادانی را درمان کنی داروی آن مرکب و قلم است.
- د) ایام جوانی از عمر خود را غنیمت شمارید.

- ۱) اغتنموا الأيام الصّبا من العمر. عمر کما.
- ۲) اغتنمنا ایّام الصّبا من

السؤال الخامس: صحّح الأخطاء فى الترجمة:

- ۱) كنت أظن أبى قد نسي و لم يبق له ذكر.
- « گمان کردم که پدرم را فراموش کرده است و یادى از او باقى نمانده است.»
- ۲) قد اعترف بعض الروميون بفضل العلماء المسلمين فى القرون الماضية.

« برخی از اروپاییان به برتری دانشمندان مسلمان در سده ی گذشته اعتراف کرده بودند.»
(۳) انزعج رسول الله (ص) من فعل الرجل تجاه بنته. « پیامبر خدا از کار او در قبال دخترانش ناراحت شد.»
السؤال السادس : عین الصحيح فی ترجمة ما أشير اليه بخط:

- ۱- وإذا النجوم انكدرت : (تاریک شود، ناراحت شود، روشن شود.)
- ۲- أدخلت أوروبا علماءها في زمرة المارقين من الدين : (وارد شدگان ، خارج شدگان، ثابت قدمان)
- ۳- نشأت الخنساء في بيت السيادة و الفروسيّة و البيان: (فارسی ، اصیل ، دلاوری)
- ۴- فرّ المشركون خائفين مذعورين (هراسان ، شجاعانه ، با بی میلی)

السؤال السابع : شكّل ما أشير اليه بخط :
عندما أتحدث عن أعمال أولادی يجب أن اجعل الكلام أكثر تأكيداً.
السؤال الثامن : املأ الفراغ بالكلمة المناسبة:

- ۱- المؤمنات في الدنيا قناعات. (المضارع من عاش -)
- ۲- طلب الحاكم منك أن له دواء (المضارع من وصف -)
- ۳- إن جرح غواص لا يرى دمه. (جرح ، جرح ، جرحاً)
- ۴- إن الالكترون يدور نواة المادة . (خلف ، حول ، امام)
- ۵- بعث الله الانبياء (و هم مبشرون ، مبشرون ، مبشران)
- ۶- من أحسن ممن أسلم وجهه لله. (مؤمناً ، ديناً ، ايمان)
- ۷- ما أوليائي منكم و من غيركم إلّا (المتقين ، متقى ، المتقون)
- ۸- يا ... لاتنسني أن تحضري في المراسيم. (سميرة ، سميرة ، سميرة)

السؤال التاسع : صحّح الخطأ:

- ۱- يا اولادى ! هل توقفون أمام العبر متأملّة
- ۲- أيّها الطالبة! كان أباك أصدق الناس قولاً.
- ۳- ما تذوق مرّ الحياة و خلوها إلّا أصحاب التجارب القيّمة.

السؤال العاشر:

- الف) أعرب ما أشير اليه بخط:
- لم يكن للجماعة عمل إلّا الدعاء - هم خير الناس ايماناً
- ب) للإعراب و التحليل الصرفي: الرميضاء وقفت على قرب من خيمة الرسول (ص) متربّصة.

پاسخ سؤالات امتحانی هماهنگ کشوری - خردادماه ۱۳۸۵

۱- ترجمه کنید:

- ۱- قرآن از پدیده تاریکی دریا به خوبی خبر شگفت انگیزی به جهانیان داد.
 - ۲- مجاهدان تکبیرگویان به میدان های نبرد رهسپار می شدند.
 - ۳- شهیدان از جهت مقام عزیزترین مردم هستند پس بر ماست (بر ما لازم است) که آنان را فراموش نکنیم.
 - ۴- قانع و صرفه جو باش که هر کس طمع و آز را ترک کند در آسایش زندگی می کند.
 - ۵- خدایا اگر شایسته رحمت نیستی پس تو شایسته ای که مرا به لطف گسترده ات ببخشی.
 - ۶- مال و دارائی و خانواده تنها امانت هایی هستند و ناگزیر روزی امانتها بازگردانده می شوند.
- ۲- مفعول فیه و مفعول مطلق و ... را مشخص کنید.
- مفعول فیه : یوماً (زمان وقوع فعل را نشان می دهد و معادل قید زمان زبان فارسی است)
- مفعول مطلق: اخباراً (مصدری منصوب از جنس فعل جمله است جمله از باب افعال و مصدر نیز مصدر باب افعال است)
- حال : مکبرین (اسم مشتق منصوبی است که حالت رهسپاران به میدانهای نبرد را بیان می کند)
- صاحب حال: ضمیر واو در یندفعون (ضمیر واو اسمی است که حالت و چگونگی آن در حین وقوع فعل نشان داده می شود)
- تمییز: مقاماً (اسم منصوبی که پس از اسم تفضیل می آید و ابهام آن را از بین می برد تمییز است اسم تفضیل در جمله سوم ، أعزُّ می باشد.)

- فعل مضاعف: تُرَدُّ (هرگاه عین الفعل و لام الفعل یک فعل یعنی دو حرف اصلی آن از یک جنس باشد فعل مضاعف است)
- مستثنی : ودائع (اسمی است که پس از ادات استثنای آلا آمده است)
- منادی : اله (اسمی که پس از حرف ندای « یا » می آید منادی است که گاهی حرف ندا به قرینه حذف می شود)
- نوع منادی : مضاف (منادی (اله) به ضمیر یاء متکلم اضافه شده است « الهی »)
- فعل معتل مجزوم: یعش (این فعل در جواب اسم شرط من که دو فعل را جزم می دهد واقع شده است)

۳- متن را بخوانید و پاسخ پرسشها را بدهید.

الف) کان عالمُ الغرب غارقاً فی بحر الجهل

ب) تَحَدَّثُ بسبب انکسار ضوء الشمس فی قطرات الماء الصغيرة الموجودة فی الجوّ عند نزول الامطار.

ج) مترادف ضوء : نور متضاد مجهول : معلوم

د) ظاهرة : پدیده کان قد بَلَغَ : رسیده بود

۴- ترجمه درست را مشخص کنید:

الف) گزینه ۲ (فعل لاینسی فعل مضارع منفی است به معنی فراموش نمی کند.)

ب) گزینه ۱ (مادامت از افعال ناقصه به معنی « تاوقتی که » و لای نفی جنس به معنی « هیچ » ترجمه می شود.)

ج) گزینه ۲ (جواب إذا مبتدا و خبر است چنانچه در خبر مبتدا فعل وجود نداشته باشد از مشتقات « است » استفاده می شود.)

د) گزینه ۲ (ایام ، مضاف است و مضاف باید خالی از ال باشد در ضمن ترجمه « عمر خود را » عمرکما می باشد.)

۵- اشتباهات در ترجمه را درست کنید:

- ۱- گمان کردم - گمان می کردم (هرگاه خبر کان فعل مضارع باشد معادل ماضی استمراری زبان فارسی ترجمه می شود.)
- فراموش کرده است - فراموش شده است (نسی فعل مجهول است و فعل مجهول در زبان فارسی با کمک مشتقات فعل « شدن » ترجمه می شود.)

۲- سده - سده ها (قرون جمع قرن به معنی سده ها می باشد.)

اعتراف کرده بودند- اعتراف کرده اند (فعل ماضی همراه با قد معمولاً معادل ماضی نقلی زبان فارسی ترجمه می شود.)

۳- کار او - کار مرد (مضاف الیه فعل ، الرَّجُل می باشد به معنی مرد و ضمیر نیست).

دخترانش - دخترش (پنت ، اسم مفرد می باشد به معنی دختر).

۶- ترجمه صحیح را مشخص کنید:

۱- تاریک شود ۲- خارج شدگان ۳- دلاوری ۴- هراسان

یادآوری: برای دریافت معنی و مفهوم یک عبارت لازم نیست تمامی لغات موجود را قبلاً خوانده باشیم چه بسا معنای یک کلمه از کلمات هم خانواده آن معلوم شود مانند مورد اول که از هم خانواده آن گذر به معنی تیره این معنی فهمیده می شود و گاهی از موضوع متن یا واژگان مجاور در فهم معنی کمک می گیریم مانند مورد دوم که در قرون وسطی اروپائی ها دانشمندان خود را خارج شده از دین بحساب می آوردند یا مورد سوم و چهارم که از کلمات مجاور آن مثل سیاده به معنی آقایی و سروری یا خائفین به معنی ترسان معنی مورد نظر به دست می آید.

۷- حرکت گذاری کنید.

اعمال: (این کلمه پس از حرف جاره عن آمده و مجرور است و چون مضاف واقع شده تنوین نمی پذیرد).

أَجْعَلَ: (این فعل پس از حرف ناصبه أن آمده پس منصوب به فتحه است).

الکلام: (این کلمه مفعول به فعل أَجْعَلَ می باشد و مفعول به منصوب است و چون ال دارد تنوین نمی پذیرد).

تأکیداً: (این کلمه پس از اسم تفضیل « أَكْثَرَ » آمده و ابهام آن را از بین می برد پس تمییز و منصوب است).

۸- جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید.

۱- تَعِيشَ (فعل مضارع عاشَ با توجه به کسره عین الفعل در مضارع يَعِيشُ و چون فاعل اسم ظاهر مؤنث است فعل مفرد مؤنث بکار می رود).

۲- تَصِفِي (در فعل مضارع معتل مثال واوی حرف عله واو حذف می شود و با توجه به ضمیر کِ فعل در صیغه للمخاطبة به کار می رود و از آنجا که فعل پس از حرف ناصبه أن آمده نون اعراب حذف می شود).

۳- جرحاً (این کلمه مصدر از جنس فعل جمله است پس مفعول مطلق و منصوب می باشد).

۴- حَوْلَ (هر سه کلمه مفعول فیه هستند و با توجه به معنی ، این کلمه را انتخاب می کنیم یعنی الکترون پیرامون هسته ماده می چرخد).

۵- و هُم مبشَّرونَ (این جمله جمله حالیه برای الأنبياء می باشد و محلاً منصوب است و دو کلمه دیگر چون مرفوع هستند نمی توانند حال واقع شوند).

۶- دیناً (چون اسم تفضیل معمولاً دارای نوعی ابهام می باشد بنابراین کلمه دیناً را که اسم جامد منصوب است به عنوان تمییز برای رفع ابهام انتخاب می کنیم).

۷- المتَّقونَ (استثناء ، استثنای مفرغ است و اولیائی مبتدا و نیازمند به خبر است و خبر حذف شده است و مستثنی را به عنوان بدل از خبر حذف شده انتخاب می کنیم و چون خبر مرفوع است با توجه به جمع بودن مبتدا این کلمه انتخاب می شود).

۸- سَمِيرَةً (این کلمه منادی مفرد غَلَم و مبنی بر ضمه است).

۹- اشتباهات را تصحیح کنید.

۱- توقفون - تقفونَ (این فعل ، فعل مضارع معتل مثال واوی است و حرف عله واو باید در مضارع آن حذف شود).

متأمله - متأملین (این کلمه ، حال است و حال با صاحب حال یعنی ضمیر واو در تقفون در عدد و جنس باید مطابقت کند یعنی چون صاحب حال جمع مذکر است پس حال نیز باید جمع مذکر باشد).

۲- اَيُّهَا - اَيُّهَا (هرگاه اسم مؤنث الف و لام داری منادی واقع می شود بین آن و حرف ندا که در اینجا حذف شده است اَيُّهَا می آوریم در این صورت کلمه اَيُّهُ منادی نکره مقصوده است).

اباک - ابوک (آب از اسماء خمسه است و در اینجا اسم کان واقع شده است و اسم کان مرفوع است و رفع اسماء خمسه به واو است).

قول - قولاً (این کلمه پس از اسم تفضیل که معمولاً نوعی ابهام دارد آمده است پس تمییز و منصوب است).

۳- الحیاة - الحیاة (این کلمه مضاف الیه و مجرور است).

- خَلَوْ- خَلَوْ (این کلمه معطوف به مُر می باشد و چون مرّ مفعول به و منصوب است خَلَوْ نیز در اعراب تابع آن و منصوب است).
- اصحاب - اصحاب (این کلمه مستثنی است و استثنا مفرغ است فعل جمله نیاز به فاعل دارد که فاعل آن حذف شده است و مستثنی بدل از فاعل ، مرفوع می شود).
- ۱۰- الف) ترکیب کنید:
- عمل: اسم یکن و مرفوع (اسم مؤخر یکن می باشد و اسم افعال ناقصه مرفوع است).
- الدعاء : مستثنی و منصوب (استثناء استثنای تام است زیرا مستثنی منه یعنی عمل ذکر شده است و مستثنی در این موارد منصوب است).
- خیر : خبر و مرفوع (خیر خبر برای ضمیر هُم که مبتدا است می باشد).
- ایماناً : تمیز و منصوب (اسم منصوب جامد پس از اسم تفضیل « خیر » تمیز می باشد).
- ب) تجزیه و ترکیب کنید.
- وقفت: فعل ماضی ، للغائبه، مجرد ثلاثی ، معتل ، لازم ، مبنی للمعلوم ، مبنی علی الفتح ، فعل و فاعله ضمیر مستتر « هی » و الجملة فعلیه و خبر محلا مرفوع
- الرسول : اسم ، مفرد مذکر ، مشتق ، معرف به ال ، معرب ، منصرف / مضاف الیه و مجرور
- متربصه : اسم ، مفرد ، مؤنث ، مشتق ، اسم الفاعل، نکره ، معرب ، منصرف / حال و منصوب
- یادآوری: (در تجزیه کلمات به ویژگیهای ساختاری کلمات بدون در نظر گرفتن نقش آنها در جمله پرداخت می شود و در ترکیب به نقش و موقعیت کلمه در جمله پرداخته می شود از قبیل : فاعل ، مفعول ، مبتدا و)